

کمالوندی خبر داد

آغاز برداشت اورانیوم ۲۰ درصد در فردو

● **ایلنا:** سخنگوی سازمان انرژی اتمی گفت: فرایند تولید اورانیوم ۲۰ درصد بیش از ۲۴ ساعت طول می‌کشد؛ اما با فناوری‌های جدید این مدت به ۱۲ ساعت کاهش یافته و اکنون اورانیوم ۲۰ درصد در حال برداشت است. بهروز کمالوندی با بیان اینکه برداشت اورانیوم ۲۰ درصد غنی‌سازی‌شده از دو آبشار تخصیص‌یافته آغاز شد، افزود: آغاز خوبی برای غنی‌سازی ۲۰ درصد داشتیم و یک ساعت پیش به من اطلاع دادند به سطح پایداری رسیده‌ایم و اکنون در حال برداشت هستیم.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:

ایران غنی‌سازی ۲۰ درصدی را آغاز کرده است

● **ایلنا:** آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در بیانیه‌ای اعلام کرد که ایران غنی‌سازی ۲۰درصدی اورانیوم را در سایت فردو آغاز کرده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه، در این بیانیه آمده است: «ایران امروز گازدهیِ اورانیوم U-235 را که پیش‌ازاین تا ۴.۱ درصد غنی‌سازی شده بود، به شش آبشار سانتریفیوژ در سایت غنی‌سازی فردو برای غنی‌سازی بیشتر تا ۲۰ درصد آغاز کرد.»

اتحادیه اروپا متعهد به «تلاش مضاعف» برای حفظ برجام شد

● **ایرنا:** سخنگوی اتحادیه اروپا بعد از اسرگیری غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد از سوی ایران اعلام کرد که این اتحادیه متعهد است تلاش مضاعفی برای حفظ برجام انجام دهد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، پتر استانو، سخنگوی اتحادیه اروپا، ضمن اعلام اینکه این اتحادیه تلاش مضاعف برای حفظ برجام انجام خواهد داد، گفت این اقدام جدید از سوی ایران نگران‌کننده است.

چین خواستار خویشتن‌داری طرف‌های برجام شد

● **ایسنا:** وزارت امور خارجه چین به آغاز غنی‌سازی ۲۰درصدی اورانیوم در ایران واکنش نشان داد. به گزارش خبرگزاری رویترز، وزارت امور خارجه چین روز سه‌شنبه در پی اعلام آغاز غنی‌سازی ۲۰درصدی اورانیوم در ایران، خواستار حفظ آرامش و خویشتن‌داری شد. هوا چونیگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در جمع خبرنگاران گفت که همه طرف‌ها باید از اقداماتی که موجب تشدید تنش‌ها می‌شوند، خودداری کنند.

هنوز اداره کشور جدی گرفته نشده است

اداره‌کردن کشور و به‌طورکل حکومت‌داری یک تخصص و فن است و نمی‌توان بدون تکیه بر فن کشورداری و حرکت روی چارچوب اصولی کشور را اداره کرد. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در برآوردی که داشته‌اند، به این جمع‌بندی رسیده‌اند کشورهایی که سندهای توسعه خود را مطالعه نکرده‌اند و مبنای حرکت توسعه خود قرار نداده‌اند، هزینه اجرای طرح‌های توسعه‌ای کشورشان دوونیم برابر افزایش می‌یابد؛ در واقع برای رسیدن به اهداف توسعه دوونیم برابر کشوری که مطالعه کرده و راهکارها را می‌داند و می‌داند که چه بستر و ابزاری را باید برای سرمایه‌گذاری آماده کرد. درحالی‌که منابع یک کشور لایزال و بی‌دوجصر نیست، منابع محدود است و باید حداکثر استفاده را جهت توسعه کشور برد.

این مهم مستلزم مطالعه سندهای توسعه است که متأسفانه در ۴۰ سال اخیر مغفول مانده است؛ ازاین‌رو باید همتی کرد و طرحی نو دراندازیم. جمع‌بندی:

۱- به‌سرعت باید سندهای توسعه توسط مشاوران ذی‌صلاح و ترجیحا با رتبه‌بندی بین‌المللی تهیه و به تصویب برسد. طرح‌های آمایش کالبر ملی و طرح‌های جامع سنجش و فرانسجشی و طرح‌های توسعه استان‌ها چراغ راه حرکت است.
۲- فضا را باید برای نقد و اظهارنظر باز کرد. کشوری که زیر سلطه وزیران و مدیران نقدگریز، نقدستیز و ترسو باشد، به توسعه دست نمی‌یابد و نرئومتد نمی‌شود. کشوری رئومتد می‌شود که راه را برای نقد و اظهارنظر شکوفایی کاشفان و نواندیشان خود بازکنیابد.
۳- باید روی خط قرمز منافع مردم ایستاد و هرآنچه را با منافع مردم تعارض دارد، کنار گذاشت و اما ما ینفع الناس فی الحکمت فی الارض و کدالک یضررب الله امثال. آنچه در راستای منافع مردم – «ناس» – است، ماندنی است. خط قرمزهای خداوند منافع مردم است.

دیپلماسی

چند تلنگر بعد از سرنگونی هواییمای اوکراینی

توقف در نقطه انجماد

عمرشسان را در این حادثه از دست داده‌اند؛ آن‌هم وقتی که آمده بودند، جشن ایرانی شب یلدا را کنار خانواده‌های‌شان بگذراندند و از فرصت تعطیلات کریسمس برای بودن در کنار عزیزانی که مجبور به دوری از آنها هستند، استفاده کنند.

اما حادثه هواییمای اوکراینی با ورود اوکراین به‌عنوان مالک هوایپما و کانادا به‌عنوان مقصد نهایی اغلب مسافران و اینکه برخی از آنها تابعیت دوم این کشور را داشته‌اند، موضوع را از یک حادثه سقوط هوایپمای داخلی که تعدادشان در دهه‌های اخیر کم هم نبوده، متفاوت کرده است؛ اما این بار این حادثه در گام اول به وجهه کشور لطمه زد. اما پشت‌هم چیدن این حوادث و سوانح ریز و درشت دیگر است که از تاب‌آوری یک جامعه می‌کاهد و گویی اکنون در نقطه انجماد متوقف شده‌ایم.

علاوه بر نقضش مقصر، میزان تقصیر او، چرایی اجازه شلیک به ابراتور و تنظیم‌نشدن قطب‌نما و همه آن چیزهایی که احتمالاً روزی در گزارش حادثه از سوی سازمان هوایپمایی منتشر خواهد

برخی ابعاد حقوقی فاجعه هوایپمای اوکراینی

سر نوشت حوادث مشابه

مقرر شده»، سخن گفته شده است. بر مبنای ادعای مندرج در گزارش کانادا، «غرامت ممکن است شامل پذیرش علنی و رسمی وقوع تخلف بین‌المللی از سوی دولت متخلف، معذرت‌خواهی رسمی و علنی، مجازات افراد مسئول، تضمین عدم تکرار، خسارت به بازماندگان، پس‌دادن اموال و…» باشد. اعضای «گروه هماهنگی»، مرکب از کشورهاییک از جان‌باختگان و ارسال پیش‌نویس نهایی گزارش سانحه به کشورهای ذی‌ربط، در راستای کمک به حل نهایی قضیه بوده‌ایم. در زیر نگاهی به برخی ابعاد حقوقی این قضیه افکنده شده است.

۱- درباره جریان خسارت خانواده‌های جان‌باختگان، رقم پیشنهادی تفاوت چندانی با ارقام معمول در سوانح هوایی ندارد. در اغلب دیگر سوانح هوایی ناشی از نقص فنی، شرکت‌های هوایپمایی مبلغی در حدود ۱۷۰ هزار دلار به خانواده‌های ذی‌ربط پرداخته‌اند. به‌علاوه نکته مثبت درباره پیشنهاد ایران این است که با وجود قانون دیه در ایران، قرار است پرداخت بدون هرگونه تبعیضی اعم از تبعیض بر مبنای جنسیت، تابعیت، سن و مانند آن پرداخت شود.

اگرچه چند نفر از بازماندگان تاکنون اظهارنظرهای منفی دراین‌باره داشته و بر روشن‌شدن ابعاد دیگر حادثه و عدالت و محاکمه مقصران تأکید کرده‌اند؛ اما هنوز از نظر اکثریت خانواده‌ها اطلاعی در دست نیست. البته شاید اظهارات در روز قبل رئیس بنیاد شهید را بتوان به‌عنوان نشانه‌ای در نظر گرفت. او گفته است که از مجموع خانواده‌های ۱۲۷ جان‌باخته سقوط هوایپما که مطابق نظر ستاد کل نیروهای مسلح «در حکم شهید» محسوب می‌شوند، ۷۰ خانواده پذیرفته‌اند که تشکیک پرورنده بدهند و تحت پوشش خدمات مستمری بنیاد شهید قرار بگیرند. همچنین در واکنش به پیشنهاد ایران، هنوز نظر مثبتی از سوی دولت‌های اوکراین و کانادا شنیده نشده است.

درحالی‌که دولت کانادا هنوز در قبال این پیشنهاد مشخص واکنشی نشان نداده، سخنگوی وزارت خارجه اوکراین مدعی شده است که «مطابق رویه بین‌المللی مبلغ خسارت باید از طریق مذاکره مشخص شود». او اضافه کرده است که «وضعیت علی‌الخصوص غیرقابل قبول است؛ چراکه صحبت از سر نوشت افراد بی‌گناه در میان است». این سخنگو همچنین اضافه کرده که اوکراین همچنان بر محاکمه مسیبان حادثه تأکید دارد. بر مبنای تجربه‌های موجود، رقم خسارت پرداختی بستگی به تفاهم طرف‌های ذی‌ربط درباره نوع و علت سقوط نیز دارد.

در دو حادثه سقوط هوایپما بر اثر شلیک موشک که مختومه شده‌اند، یعنی سقوط هوایپمای مسافربری ایرانی توسط ناو جنگی آمریکایی در ۱۹۸۸ و سقوط هوایپمای مسافربری روسی با موشک ارتش اوکراین در ۲۰۰۱، آمریکا و اوکراین به ترتیب ۲۱۰ و ۲۰۰ هزار دلار به هریک از خانواده‌های قربانیان پرداخت کردند. البته اتفاقات مشابه دیگری نیز مانند سقوط هوایپمای کره جنوبی از سوی ارتش روسیه ششوری در ۱۹۸۳ و سقوط یک هوایپمای هلندی در شرق اوکراین به دست شورشیان جدایی‌طلب منطقه نیز رخ داده؛ اما پرورنده آنها هنوز مختومه نشده است.

۲- مسئله دیگر درباره خسارت، ظاهرا درک متفاوت طرف‌های ذی‌ربط از ماهیت حادثه است. درحالی‌که ایران حادثه را ناشی از یک «خطای انسانی» می‌داند، دولت کانادا در یک گزارش ۷۶صفحه‌ای که در ۱۴ دسامبر منتشر کرده، از وقوع یک «عمل متخلفانه بین‌المللی» (international wrongful act) سخن به میان آورده و گویا بر این مبنا از دو نوع غرامت صحبت کرده است: یکی خسارتی که در ازای هر جان‌باخته به خانواده او (compensation) پرداخت می‌شود و دیگری آنچه «تحقق عدالت از طریق دریافت غرامت کامل (full reparations) برای جان‌باخته‌ها، خانواده‌های‌شان و دولت‌های ذی‌ربط» توصیف شده است. در این معنا از خسارت به خانواده‌ها به‌عنوان بخشی از «غرامت کامل که از سوی حقوق بین‌الملل



فاجعه اسفبار هوایپمای اوکراینی بیش و قبل از آنکه ابعاد حقوقی پیچیده بین‌المللی داشته باشد، موضوعی احساسی و انسانی است و این جنبه یقیناً هم بر بزرگی و عمق این فاجعه افزوده و هم مواجهه با آن را بسیار حساس کرده است، ازهم‌رو باید ضرورتاً در موضوعات مرتبط با آن، به جنبه انسانی توجهی ویژه داشت. حوادث هوایی همواره بسیار تلخ و رنج‌آور هستند؛ برای اینکه در یک لحظه، تعداد زیادی از افراد که بی‌پناه هستند، به‌گونه‌ای بسیار زلهره‌آور و دردناک به سوی مرگ می‌روند. کیفیت سرنگونی هوایپمای اوکراینی با حدود ۱۷۶ مسافر، این رنج و غم جانکه را بیشتر و تلخ‌تر از حوادث معمول هوایی کرد. واقعهای که برخلاف حوادث هوایی که غیرعمدی و غیرقابل پیش‌بینی و پیشگیری هستند، قابل پیشگیری بود. مسئله تعیین یک‌جانبه غرامت از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز ازجمله مواردی است که ضرورت دارد به آن توجه شود. ماهیت پرواز شماره PS 752 ویژگی خاصی به رخداد تحمیل‌شده بر آن داده است. این موضوع در کنار کیفیت ارتکاب عمل، رسیدگی حقوقی ماجرا را تا حد بسیار زیادی حساس کرده است.

ماهیت پرواز اوکراینی

کنوانسیون ورشو و پروتکل لاهه، پروازی را که مبدأ و مقصد آن قلمرو یکی از کشورهای عضو باشد یا اینکه مبدأ و مقصد قلمرو یک عضو یا اجازه توقف در قلمرو حاکمیت یک عضو دیگر کنوانسیون باشد، بین‌المللی می‌دانند. به‌علاوه باید در نظر داشت مسافران پرواز از ملیت‌های مختلف و حتی برخی از ایرانیان قربانی نیز دارای تابعیت مضاعف کانادایی بوده‌اند. تنوع تابعیت مسافران حتی مسافران ایرانی، با فرض عدم پذیرش تابعیت مضاعف در قانون مدنی ایران، موجب دیگری است که موضوع مرتبط با این پرواز به یک مسئله تمام‌عیار بین‌المللی تبدیل شود. بین‌المللی‌بودن پرواز به این معناست که قانون حاکم بر یک واقعه بین‌المللی، فراتر از قوانین داخلی است و مقررات بین‌المللی مرتبط با یک موضوع بر آن حاکمیت دارد و طرف‌های درگیر، تابعان مختلف حقوق بین‌الملل هستند. این مقررات گاهی مقررات عمومی / بین‌المللی است و در برخی موارد مقررات خاص که بر یک واقعه حکمرانی می‌کنند. درباره سرنگونی هوایپمای محل بحث، با توجه به چگونگی اتفاق، اصول کلی حقوق بین‌الملل و مقررات هوانوردی بین‌المللی که بیشتر متأثر از کنوانسیون شیکاگو و پروتکل لاهه و نیز کنوانسیون مونترال است، ناظر هستند.

وضعیت مسافران ایرانی

مسافران ایرانی قربانی به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از آنها اقامت دائم کانادا و بعضی تابعیت این کشور را داشتند. سایر ایرانی‌ها با ویزاهایی مانند دانشجویی با هوایپما به مقصد کشور کانادا پرواز می‌کردند. حضور مسافران ایرانی با تابعیت مضاعف یا اقامت دائم کشوری غیر از ایران و حتی ایرانی‌های فاقد تابعیت یا اقامت دائم در هوایپما و نیز عامل و محل حادثه، وصف



شد. به نظر می‌رسد تأخیر در برگزاری دادگاه و محاکمه، راهی برای فروکش‌کردن التهاب جامعه در نظر گرفته شده که بعید است جامعه‌شناسان و روان‌شناسانی که به موضوعات انسانی عمیق‌تر می‌اندیشند، این روش را راه‌حل خوبی بدانند. نکته آخر اینکه رابطه ایران با کانادا، پیش از این حادثه هم وضعیت خوبی نداشت، هشت سال از قطع رابطه کانادا با ایران می‌گذرد. این کشور به دنبال مرگ مشکوک زهرا کاظمی، روزنامه‌نگار دوتابعیتی در زندان اوین، قطع‌نامه‌های حقوق‌بشری علیه ایران را پیش می‌برد و حالا که یک سال از این حادثه می‌گذرد، هیچ چشم‌انداز مثبتی در رابطه دو کشور به چشم نمی‌خورد و فقط دو طرف در سطح دیپلمات‌های وزارت خارجه به هم هشدار می‌دهند؛ اما دراین‌بین ۸۰۰ هزار ایرانی مقیم کانادا هستند که همچنان بر سختی‌های زیست دوگانه‌شان افزوده می‌شود. شاید نیاز به تکرار نباشد که اگر رابطه ایران و آمریکا به نقطه جوش نمی‌رسید، نمی از حوادثی که امروز گریبان ما را گرفته، رخ نمی‌داد.

بررسی حقوقی مسئله پرداخت غرامت به بازماندگان پرواز شماره PS752 اوکراین

رضایت زیان‌دیدگان را جلب کنید

بین‌المللی‌بودن در رابطه بین این قربانیان و دولت جمهوری اسلامی ایران را زایل نمی‌کند؛ بنابراین قانون با قاعده‌ای که در نهایت صالح به قضیه تشخیص داده می‌شود یا هر توافقی با کشور متبوع صاحب و مالک مسیر پروازی، شامل این افراد و غالب بر رابطه ایشان با دولت متبوع صرفاً در این خصوص می‌شود. مسئله تابعیت مضاعف و عدم پذیرش آن از سوی دولت ایران یا اقامت دائم برخی قربانیان نمی‌تواند دلیل موجهی باشد تا پرورنده این افراد تابع قوانینی غیر از آنچه حسب قواعد بین‌المللی صالح تشخیص داده شده یا می‌شود، باشد. بنابراین هر توافق یا دادرسی‌ای شامل همه قربانیان خواهد شد.

رئیم حقوقی حاکم بر قضیه

واقعۀ سرنگونی این هوایپما تابع مقررات و اصول کلی حقوق بین‌الملل در باب مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و نیز مقررات و قواعد مرتبط با حقوق بین‌الملل هوایی است که غالباً ناشی از قواعد حقوقی مندرج در کنوانسیون ورشو، شیکاگو، مونترال و پروتکل لاهه می‌شود. در صورتی‌که موقع سوار یا پیاده‌شدن از هوایپما حادثه‌ای رخ دهد که منجر به جرح یا فوت مسافر شود، اگر شرایط کامل و محقق باشد، کنوانسیون‌های ورشو یا مونترال درباره یکسان‌سازی مقررات حمل‌ونقل هوایی اعمال می‌شود. این شروط عبارت است از: نخست، حمل‌ونقل بین‌المللی باشد. دوم، حمل‌ونقل از سوی یک مؤسسه حمل‌ونقل هوایی و به وسیله هوایپما انجام شود. سوم، کشورهای مبدأ و مقصد عضو کنوانسیون باشند. چهارم، حمل‌کننده کالا برای حمل کالا و مسافر اجرت گرفته باشد؛ اگر یک مؤسسه حمل‌ونقل هوایی نیست. پنجم، حادثه باید یک آسیب بدنی در هوایپما یا در اتنای سوار یا پیاده‌شدن از هوایپما روی داده باشد. بنابراین مقررات این کنوانسیون زمانی قابلیت اجرا دارد که تمام شرایط مذکور وجود داشته باشد و با فقدان هریک از مقررات مزبور، قابل اجرا نیست. از جمله کاربردهای قانون قابل اجرا، تعیین و تعریف حقوقی رخداد منجر به زیان است؛ آنچه در زیان عموم «حادثه» نامیده می‌شود. حادثه در مقررات کنوانسیون تعریف نشده و تفسیر این موضوع بر عهده محاکم بین‌المللی گذاشته شده است، ولی این واگذاری به این معنا نیست که دادگاه‌ها برای این تفسیر آزاد باشند. صرف‌نظر از مباحثات حقوقی و مجادله‌های فنی، حادثه، واقعهای فیزیکی غیرقابل پیش‌بینی و خارج از کنترل شرایط و اوضاع و احوال عادی است. این تعریف که ناشی از تصمیم دیوان عالی کشور ایالات متحده آمریکا در قضیه ساکس محل بحث، با توجه به چگونگی اتفاق، اصول کلی حقوق بین‌الملل و مقررات هوانوردی بین‌المللی که بیشتر متأثر از کنوانسیون شیکاگو و پروتکل لاهه و نیز کنوانسیون مونترال است، ناظر هستند.

مسئولیت در حادثه هوایی- بین‌المللی

قواعد عمومی در حقوق بین‌الملل درباره

مسئولیت بین‌المللی با وجود فقدان مقررات الزام‌آور تا حدود بسیار زیادی روشن و صریح است. رویه قضائی بین‌المللی حداقل در این خصوص صراحت درخور توجهی دارد. احراز رابطه سببیت بین زیان وارده و عمل زیان‌آور برای تحقق مسئولیت کافی است. وجود تقصیر یا فقدان آن، تنها در جبران خسارت وارده مؤثر است؛ زیرا قواعد عمومی در حقوق بین‌الملل احراز رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و زیان وارده را بدون ملاحظه تقصیر برای تحقق مسئولیت بین‌المللی کافی دانسته است. بنابراین قاعده، احراز رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و ضرر به‌وجودآمده برای تحقق مسئولیت کافی است.

ادامه در صفحه ۸

گذار به سوی کشورداری ضرورت گریزناپذیر

سنت‌گزیری از «تزها» و «آنتی‌تزها»، همواره سبب شده کشور در الاکلنگ «یا این یا آن» دست‌وپا زده و راه سومی که «هم این هم آن» را شامل شود، محال ظهور نیابد؛ بنابراین با بازتولید مستمر تفکر «حیدری-نعمتی» در ساحت‌ها و زمان‌های مختلف، تقریباً دستیابی به توافق و اجماع بر روی همه چیز (اعم از اهداف، مسائل، اولویت‌ها و راه‌حل‌ها) امری محال به نظر می‌رسد. افزون بر این خشک‌شدن چشمه زبایی اندیشه ایران‌شهری (که پیش‌ازاین در قالب مکاتب فکری درخشانی مانند مکتب اصفهان و مکتب تهران تبلور یافته بود)، از دیگر علت‌العلل‌های به انحطاط کشیده‌شدن امر کشورداری در ایران به شمار می‌رود. خطای شناختی؛ شاید بارزوپررید نباشد؛ ولی هنوز کشور به طور کامل به تصرف دولت درنیامده است! مقصود آن است که با وجود گذشت قریب به یک قرن از پیدایش دولت ملی در ایران و استقرار نظام دیوان‌سالاری در کشور، هنوز بسیاری از ویژگی‌ها، استعدادها، ظرفیت‌ها، مزیت‌ها و حتی محدودیت‌ها، و چالش‌های پنهان سرزمینی، مغفول مانده یا رها شده است. هنوز سؤالات و ابهامات فراوانی درباره بارگذاری جمعیت، فعالیت و زیرساخت‌ها در کشور فراروی دولت وجود دارد. علاوه بر شناخت فضای سرزمینی کشور، آگاهی و احاطه بر جریانات، روندها، فراوندها، عدم قطعیت‌ها و به طور کلی به محیط پیرامونی کشور نیز از دیگر دنباله‌های این خطا به شمار می‌رود. خطای تحلیلی، شایع‌ترین و درعین‌حال خطرناک‌ترین خطا از بین خطاهای پنج‌گانه فوق، خطای تحلیلی است؛ خطایی که تصویری غلط از «آنچه هستیم» و «آنچه باید باشیم» به دست داده و تأثیر خسارت‌بار خویش را در هر مرحله سیاست‌گذاری و اجرا به صورت «چگونه باید اقدام کنیم» منعکس می‌کند. به‌صراحت باید گفت به سبب دلایلی از جمله فقدان نظام آماری جامع، یکپارچه و هوشمند، خلیقات مسئولان (قرار به جلو، خنده‌هفهم‌پنداری، سرسری‌گیری و…) کاربست صرفاً شکلی و ویترنی‌رولوم روز مدیریت و برنامه‌ریزی و نیز ضعف نظام تصمیم‌سازی از سوی کارشناسان و مدیران میانی مایوس و بی‌انگیزه برای اصلاح، بخش درخور توجهی از تحلیل‌های مرتبط با وضعیت اقتصاد، رضایت عمومی، انسجام اجتماعی، توان دفاعی کشور، کارآمدی نظام اداری و امثالهم یا غلط بوده یا با عوایج‌های زیاد همراه است و این خود سرمنشأ بسیاری از آذرس‌های غلط برای نظام تصمیم‌گیری و مقامات ارشد است. خطای سیاست‌گذاری و اجرا، متعاقب سه خطای پیشین، نظام سیاست‌گذاری و اجرا در کشور با مسائل عدیده‌ای ازجمله فقدان تئوری و روش‌شناسی مشخص و قابل اتکا، کمبود ایده‌پردازی‌های عالمانه، شناخت ناقص و تاکایی و تحلیل‌های غلبه‌دار از واقعیت از شرایط کشور با سردرگمی چشمگیری مواجه بوده؛ بنابراین سیاست‌گذاری و اجرا کاملاً قائم به فکر، غیرسیستماتیک و مبتنی بر درک و شهود فردی مجربان طرح‌ریزی می‌شود. ازاین‌رو عرصه سیاست‌گذاری و اجرا در ایران، عرصه آزمون و خطاهای فراوان دیدگاه‌های مدیران، عدم یادگیری و انباشت تجربه و انتقال از آن است. ازاین‌رو است که اشتباهات مداوم تکرار می‌شوند و کشور از یک سوراخ بارها و بارها گزیده می‌شود(نگاه کنید به غانله‌های مربوط به افزایش قیمت بنزین، قیمت دلار و…)، با این اوصاف باید واقعیت را پذیرفت که اگر ما، ما شدیم و امروزه سؤال «آخرش چی میشه؟» گوشه ذهن ما است، تنها و تنها به ضعف نظام کشورداری در ایران بازمی‌گردد که هم ناکارآمدی نهادهای دولت و هم کم‌عیاری جامعه و غفلت از سرزمین در آن نقش دارند. این تصور که کسی خارج از کار نیروی انسانی داخلی (در هیبت وزیر، وکیل، کارمند، دانشگاهی و امثالهم) در چرخ‌دنده‌های نظام عریض و طویل کشورداری ایفای نقش می‌کند، تصور کاملاً اشتباهی است. در واقع از ماست که بر ماست و «إِنَّ اللَّهَ لَا یَغْیُرُ مَا یَقُومُ حَتّٰی یَغْیُرُوا مَا بَآئِشْهِمْ». آنچه تا امروز در ایران شَاهد بودیم، «حکمرانی سیاست‌مبنا» بوده که اقتصاد و فرهنگ در خدمت و جاده‌صافکن سیاست بوده؛ ولی چندین دهه تجربه شکست‌خورده این مدل بوده که تعویق یابی اصلاحات اقتصادی و سیاسی همراه بوده و گام یکایک ایرانیان را به طعم نااطمنیانی و معیشت‌محوری آشنا کرده است، ضرورت پارادایم‌شیفت به سوی «کشورداری» را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. نهایتاً برخی از مهم‌ترین ملاحظات پیشنهادی برای استقرار این الگوی کشورداری عبارت است از:

• اصلاح اساسی و تقویت سه نهاد اصلی مجلس (نهاد قانون‌گذاری)، صداوسیما (نهاد فرهنگ‌سازی عمومی)، سازمان برنامه و بودجه (نهاد سیاست‌گذار اقتصادی) در گام اول به جای اصلاح دستگاه عریض و طویل و تودرتوی دولت.

• نظریه‌پردازی توسعه‌مدلی در راستای خروج از خطای بینشی (تاکید بر اصلاح بنیان پیش‌نویس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت ارائه‌شده در مهر ۱۳۹۷ و ارائه یک الگوی مورد اجماع و بن‌بست‌شکن).

• نهادینه‌کردن رویکرد آمایش سرزمین به منظور کاهش خطای شناختی.

• طرح‌ریزی نظام آمار و اطلاعات جامع، یکپارچه، شیکه‌ای و هم‌پیوند به منظور کاهش خطای تحلیلی.

• تعریف دوره عالی کشورداری و سطح‌بندی آن برای آموزش مدیران و مقامات برای کاهش خطای سیاست‌گذاری واجرا.

• **رئیس گروه آمایش سرزمین سازمان برنامه و بودجه کشور**